

□ صحرا، بی حضور انسان

(..... توجه کن!)

نقدی بر فیلم سینمایی صدای صحرا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم □ سهراب هادی

سینما با تمام کیفیت‌ها و کم و کاست‌هایش با همه لحظه‌های اوجش و تمام ارزش‌های خوب و بدش، با انسانهای آگاه و فهیمش و با تاج‌ریشه‌هایش همواره از کثرت علاقمندان برخوردار بوده است. و ما را قصد آن نیست تا با کلامی کوتاه به تمامی وسعت سینمای ایران و تاریخچه‌اش نظر افکنیم.

بل در پی آنیم تا در فصلی که گذشت رخدادی از سینما را به بحث کشانده و بیانی جامع را در کلامی مختصر آریم تا آنچه گفتنی است گفته شود و ثمری را در راستای تعالی و شناخت ارزشهای سینما عرضه نمائیم.

این کوشش هم تازه نیست، که قدمی است دوباره تا در گذرگاه حتمی نواز سینما امکان حرکتی سالم را هموارتر کرده باشیم.

اینک زمان آنست تا سینمای انقلاب نفسی بلند کشد و چهره‌هایی نو در ادراک‌ها به قالب نشیند که محتوای حرکتش ارزش بخشیدن باشد و این میر نگردد الا آنکه در تولید بسط و در شناخت واقعیت‌های پنهان و طرح اصولی آنها به حرکت خویش شتاب بخشیم تا کماکان برخوردار از خطی راستین در جاده‌های روشن و آینده‌ای تابناک باشیم و پیش‌ها را در اول راه که فزونی میگیرند باز شناسیم و سینما را به گرمی نشانیم و بیاییم هویت روشن خویش راه.

اگر کسی بداند و آگاهانه بر حرکت خویش عمود نظر کند، حرکت مسنود حریانی جهت دار و سنجیده، عبور از تسکها را رهرو بر خویش شناخته است و رموز گذر از خویش را بر در خواهد بافت.

جز این، حکایت آسیابانی است که از صبح تا شب را در چرخشی دورانی غوطه‌ور است و حرکت تکاملی خویش را به اتکار نشسته و مصداق روستر آموزش زیبای ربا نوشتن در رسم الحظ است که بی هدف از نوشتن جمله و کلمه به زیبا نوشتن حروف دل بندیم، غافل از ساختن و پرداخت کلمه یا جمله‌ای زیبا.

حال بجای کشف عنصر آگاهی، فلسفه زیبا نوشتن را دانسته‌ایم و بزهدف نیستیم تا از طریق ارائه بهتر، کمال انتقال را سهل نمائیم.

نادر ابراهیمی، حضور اندیشه‌اش را در آتش بدون دود که روایتی برگرفته از ارزشهای قومی و قبیله‌ای ترکمن بود به سفارش تلویزیون آشکار ساخت و با سیاست حاکم بر هنر گذشته شناختن ابعاد بی‌محدود سفرهای دور و درازش را هم در نظام تربیتی با سفارشی دیگر به تمام رساند.

کیادها سگین نظام تربیتی استعمار را بردوش کشیدن و بد سمری دراز رفتن استنباطی بود از انتخاب ابراهیمی و پذیرش ارزشهای کاریش در گذشته. صدای صحرا تداوم اندیشه فروخورده محظوظهای باطل آتش بدون دود و قضاوتی نادرست و نادانسته از دگرگونی ارزشها و نقیبی است بر گیشه و تجارتی در فیلم. ابراهیمی بر این باور است که با گسستن بند اول و پسین بندها نیز خواهند گسست.

صدای صحرا را که بد تماشا بنشین بر سکوت طولانی و حرکت جراحی او عمود نضاره کرده ای. کارگردان بازتاب رسوبات اندیشه آتش بدون دود را به قضاوت می برد و تماشاگر را سمت همان تفکری هدایت می کند که در آتش بدون دود داشته است.

صدای صحرا امتداد آتش بدون دود است و ابراهیمی چنان شنیده است که در صحرا خون بوی خون دارد و مرد در برابر مرد قداره می بندد و برادر به برادر خیانت می کند و عشق محوری است مادی و بنا بر اصول حاکمیت جبر استوار می ماند.

سینمای امروز را کلامی و لحظه ای باید و ابراهیمی بر این باور اندیشه نداشته است و این تصویری است که از تاریکخانه خیال خزیدن آغاز میکند تا بر پرده واقعیت پذیرد و قصد آن دارد تا از صحرانشین تنهایی به بهای گریز از جامعه شکل دهد و فرد حلول کند و حلولش ناشی از اعتقادی است رو به گونه گونه شدن.

صدای صحرا صدای پروازی ناقص است که حرکتی ناموزون را شکل میدهد و پرواز مهاجری را مانند که بی هدف در پی آشیانه ای سر بر مردابها گنداب ها نهاده تا به امید بافتن مزوانی فرود آید.

و حقیقت این است که صدای صحرا، صدای دلنشین بومی بودن، پاک بودن، محبت داشتن، انسان بودن، شریف بودن و صدای صحرا نیست. ناله ای است برخاسته از تفرقه و نفاق. خون خواهی و طلب کشی و گردن کشی ناحق در برابر حق.

این بیرحمانه ترین قضاوت است که صحرانشین انگونه به دور بین نگردد و ظاهر و باطنی این چنین کوفته گردد و حقیقت دیگر آنکه اعتبار یک لفظ و تعلیمات غلط و دروغ سینما و نونا تشریک مساعی اندیشه استعماری نمی تواند برای هبسه در مقابل واقعیت مسلم و محسوس استادگی داشته باشد.

صدای صحرا می نگردد که استعاره. احبار. شخصیت و راف و حقوق فردی در صحرا مستداف ندارد. عقل و ادراک دزدیده شده است و فهم و شعور در بحیرتی است و این همان فاعله محرومی است که طوق بردگی بون پوشیده در سنت را به گردن دارد.

حین خواهی را در پیش صحرانشین ثابت میدهد و زیبایی جمال و شکوه زن در صحرا مرد را در برابر مرد به «تفنگ کسی» وامید برد.

مگوبند در صحرا هیچ فانی نیست. بیعت از انسانیت حاکم نیست و صحرا فرهنگش انگونه به تشبوت کشانده میشود و در آنجا خون جواب خون دارد در بهای بودن.

محور اندیشه در صدای صحرا بر عشقی مادی استوار است و این همان معمول همیشگی سینمای مبتذل تجاری استعمار است و کارگردان از درجه بسته دورین به اصالت‌های فرهنگ ترکمن نشانه می‌رود و می‌تازد که زن موجودیتی است مالک دارویی اختیار و درخواستش را باید به جبر توسل جوئی و برادر را در خون غلطانی و از امتحانی سخت برآئی. این باور نادرست اگر به قضاوتی درباره شناخت اصالتها و اندیشه‌های بدور مانده از هجوم استعمار در ترکمن صحرا قیاس گردد، عیان است که حیات و فرهنگ نژادی شریف به استیازه کشیده شده است.

شناخت ارزشهای بومی و قبیله‌ای نه تنها به بیان واقعیت تاریخی آن کمک میکند، بلکه هنرمند ازین مجرا... می‌باید تایید واقعیت‌ها را آشکار به قضاوت کشد و کونا سخن اینکه ارزشهای قومی ترکمن بگونه‌ای که نیست با قضاوتی ناشی از سرکوب عقده‌های جنسی بتصویر درمی‌آید و تعمیم می‌یابد.

با فرض محال اگر نمونه‌ای از آنچه در صدای صحرا اتفاق می‌افتد در دوره‌ای از زندگی ترکمن واقع شده باشد ارزش بیانی اش امروز چه معیاری را محک خواهد زد؟ «خناس‌های استعمار» با اندیشه‌های پوشالی خویش به روی بومیت و قومیت سم و فساد می‌باشند و تخم نفاق و حیوانیت و شهوت را می‌خواهند در صحرا بیابان‌شانند غافل از آنکه صحرا بر ارزشهای سنتی خویش پای بند است و توبا بهره‌گیری از آلات زندگی اش و ارائه تصاویری باطل از گذشته قادر نخواهی بود تا بر آنچه امروز اندیشه میکند متزلزلش سازی.

شما... می‌پندارید در خروشید و وزیر کانه می‌تازید بر ارزشهای فرهنگ و فضائل بشری و در تعدیل و تنزل افکار از طریق سینما با ترویج اندیشه‌های الخادی می‌کوشید، و خود معتقدید که باید چهره در نقاب گرفت و به وحشیانه‌ترین حربه‌ها توسل جست و هم یافته‌اید که در فرجام محکومید. امروز سر آغاز است که فرجام بشری را در برمی‌گیرد و به همه مراحل تاریخی، استبداد دیدگان و بر همه استعمارگشتگان و استمارشدگان و استعمارزده‌گان همیشه زمین در آغازی همگامند و می‌نوبند تا دفتری نوکشایند و جهان انسانیت را به ارمغان آرند و بشریت را به سر منزل سلامت و سعادت رهنمون گردند و تونیز معتقدی که هنگامه آن است که پیش ساده لوحانه براندام برافراشته این جامع حرکت مانع تراشی و در پی یافتن معنای تجلی روشن نیستی تا بر افق مشعشع زینتش نظرافکنی تا بر تونورانی اش دیدگان تاریکت را با نهیب برفش بصیرت بخشد تا ایمان آری به بطال پندارهای خویش.

و این بهانه‌ای بود برای گفتن تا پس از تماشای صدای صحرا حرفی و کلامی در باب... سینمای امروز داشته باشیم و انشاء الله که از راه مروت و درست اندیشی به لغزش نرفته و دریافت خویش را در گفتگو به جستجو نشسته باشیم.

انشاء الله



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال بین‌علوم انسانی

کیلومتر ۵

نویسنده و کارگردان: حجت‌الله سیفی

فیلمبردار: اصغر منبره‌نی

مدت: ۱۰۵ دقیقه رنگی ۳۵ میلیمتری

سال تهیه: ۱۳۶۱

بازیگران:

هدایت‌الله نوید	افسانه رایگان	حاج حسین	محمد رضا اصلانی
معزم شاه‌بخشی	حسن توانا	احمد عسگری	...

فاهوس / ۱۹۳



پروشکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی